

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشرف دهقانی  
۰۴ سپتمبر ۲۰۱۴

## کارگران و جنگ و نا امنی در خاورمیانه!

هنوز جنگ و کشتار در سوریه تداوم داشت که کارگران و توده های ستمدیده در خاورمیانه (و به واقع در سطح جهان) با جریان ارتجاعی و فوق تروریستی داعش که در رسانه های امپریالیستی با لفظ زیبای "پیکار جو" از آن ها یاد می شود مواجه شدند؛ و درست در گرماگرم نمایش رقص حیوانی آن ها بر روی پیکرهای خون آلود کشته شدگان به دست این تروریست های پیکار ستیز بود که توجه ها به سوی سرزمین خون و آتش فلسطین جلب شد، به نقطه ای که دولت صهیونیستی اسرائیل به مثابه سگ زنجیری امپریالیسم امریکا این بار بی رحمانه تر و خونین تر از هر وقت دیگر بر مردم بی دفاع فلسطین تاخت و به خصوص با تکه تکه کردن کودکان، یک بار دیگر در میان مردم جهان ننگ ابدی بر پیشانی خود کوبید. این جنگ ها به هر شکل و با هر دستاویزی که برپا شده اند و صرف نظر از این که خود را با چه ایدئولوژی و نظری تبیین می کنند ، در کلیت خود یک هدف بیشتر ندارند. آن تنها هدف نیز همانا حفظ شرایط وحشیانه استثمار در جهان سرمایه داری کنونی است. هدف آن است که منافع صاحبان بانک ها، تراست ها و انحصارات غول آسا (و بالطبع سرمایه داران ریزه خوار آنان در کشورهای تحت سلطه امپریالیستها) از طریق تحمیل شرایط بسیار ظالمانه بردگی سرمایه داری به کارگران و غارت منابع و ثروت های جوامع زیر نفوذ سرمایه داران بین المللی، کماکان حفظ و حراست گردد.

در سوریه هنگامی که کارگران و دیگر توده های ستمدیده علیه رژیم حاکم که بشار اسد به عنوان یک دیکتاتور در رأس آن قرار دارد به پا خاستند و در جریان خیزش انقلابی خود با خشم و کینه آشکار پرچم جمهوری اسلامی را پاره کرده و به آتش کشیدند و به این طریق نشان دادند که چهره یکی از مرتجع ترین دشمنان خود را نیز به خوبی می شناسند، امپریالیسم امریکا با دستپاچگی وارد صحنه شد و کوشید هم از طریق نیروهای مرتجع وابسته به خود در میان ارتش سوریه و هم با سازماندهی چندین گروه تروریستی نظیر جبهه النصر و داعش، ضمن مقابله با مبارزات انقلابی توده ها و از میان برداشتن بشار اسد به شرایطی نظیر آنچه در عراق و لیبیا به سود خود و به ضرر امپریالیستهای دیگر شکل داده است ، دست یابد که البته در این امر موفق نشد. به همین دلیل امروز در سوریه جنگ بی رحمانه و کثیفی برپاست ، جنگی که در یک طرف آن امپریالیسم امریکا و شرکای غربی اش قرار دارند و در طرف دیگر آن امپریالیسم روسیه. آنها در سوریه به طور غیر مستقیم یعنی از طریق مزدوران شان با هم می جنگند. روسیه پشتیبان دیکتاتور سوریه (بشار اسد) می باشد و امریکا و شرکاء در مقابل با سازماندهی و تقویت گروه های تروریستی وابسته به القاعده (که دست ساز امریکا بودندش را حتی هیلری کلینتن نیز تأیید کرد) با پول عربستان و قطر (دو دولت وابسته به خود) به مثابه گروه های "تندرو اسلامی" جنگ فاجعه باری را در آنجا دامن زده است.

در عراق داعش با دست زدن به بی رحمانه ترین و ارتجاعی ترین روش های کشتار و تبلیغ گسترده و عامدانه روی آن جنایات و فجایع (با کمک رسانه های امپریالیستی)، به طور کلی ایجاد جنگ و آشوب در مناطق هر چه گسترده تر خاورمیانه را تعقیب می کند. البته داعش خود مدعی است که گویا برای مسلمان کردن همه مردم منطقه و رواج اسلام (گویا از نوع "ناب محمدی" به تاسی از خمینی و جمهوری اسلامی اش!) به عملکردهای وحشیانه عهد حجر دست می زند. اما ادعای او هر چه باشد خود واقعیت بیانگر آن است که عملکردهای این جریان تروریستی در خدمت برپائی جنگ و آشوب و ناامنی در منطقه خاورمیانه قرار دارد. با توجه به حضور این نیروی فوق تروریستی در منطقه است که وسیع ترین توده های عراق و منطقه مجبور به مقابله با داعش و کشیده شدن به میدان جنگ می شوند؛ جنگی که در حال حاضر زیر رهبری های بورژوائی با پوشش های ملی و مذهبی در حال شکل گیری است.

با در نظر داشتن این امر که داعش محصول سیاست جنگی امپریالیسم امریکا در سوریه می باشد و دولت های وابسته به امریکا در منطقه نظیر عربستان سعودی، قطر و ترکیه با در اختیار قرار دادن پول و امکانات نظامی و ایجاد پشت جبهه برای این تروریست ها در پروراندن آن نقش مستقیم داشته اند، وقوف به نقشی که امپریالیسم امریکا با همکاری دیگر شرکای امپریالیستش امروز برای دامن زدن به جنگ و ایجاد آشوب و ناامنی از طریق داعش در عراق و کل منطقه خاورمیانه ایفاء می کند چندان دشوار نیست. کافی است با کنار زدن همه تبلیغات زهر آگین رسانه های امپریالیستی از جمله تبلیغات مبنی بر انکار ارتباط امریکا و نیروهای متحدش با این جریان تروریستی، به خود واقعیت های عینی که امروز در جلوی چشمان همگان در جریان است رجوع و روی آن ها تأمل نمود تا متوجه شد که چرا مثلاً در کشورهای اروپائی پولیس به داعشی ها مجوز تظاهرات (تظاهرات دهن کجی به مردم!) صادر می کند و در شرایطی که تا دیروز هر حرکت مبارزاتی مترقی را به نام تقبیح خشونت می کوبیدند حال به آن ها امکان می دهد که آزادانه به خیابان بیایند و به نفع رواج تروریسم و خشونت ضد انقلابی یعنی قتل و کشتار مردم بی دفاع از کودک و نو جوان گرفته تا زن و مرد و پیر و جوان آنهم به فجیع ترین شکل ممکن در سوریه و عراق (و فردا در مناطق دیگری از خاورمیانه) تبلیغ و جوانانی را از اروپا برای این منظور بسیج کنند! حمایت عملی ولی غیر رسمی دولت های امپریالیستی از داعش تا به آنجاست که مثلاً در انگلستان گویا پولیس امنیتی نمی داند(!!) که آیا داعشی های تروریست ولو در خیابانهای لندن که مشغول پخش اعلامیه هایشان هستند مشمول قانون ضد تروریستی در این کشور می شوند یا نه! و آیا پولیس مجاز به دستگیری آنها می باشد یا فقط باید با حیرت!! نظاره گر تبلیغ ترور و خشونت در جلوی چشم مردم از طرف آنها گردد؟! مسلم است که در چنین وضعی هیچ انسانی با حداقل هوشیاری نمی تواند این سؤال را برای خود طرح ننماید که اگر دولت های امپریالیستی در امریکا و اروپا به گونه ای که ادعا می کنند واقعاً علیه داعش و عملکردهای آن در سوریه و عراق بودند، آیا اجازه چنان تبلیغات و چنان امکان بسیج نیرو در کشورهای غربی را به این نیروی تروریست می دادند؟! یا آنها منافع خود را در آن می بینند که اهداف ضد خلقی خود در منطقه خاورمیانه را از طریق داعش و گروه های تروریستی نظیر آن پیش ببرند و در نتیجه دست آنان را برای بسیج نیرو و قدرت گیری حتی در کشورهای غربی باز گذاشته اند. البته آنها این کار را به واقع از خیلی وقت پیش با ایجاد تسهیلاتی برای اسلام گراها شروع کرده بودند، به گونه ای که طبق اخبار رسمی تعداد زیادی از نیروهای داعش پرورش یافته در محیط غرب هستند و از کشورهای غربی به سوریه رفته اند!

در موردی دیگر باید پرسید که چرا کُرد ها تحت رهبری بارزانی- مهره ای که هیچ کس در سرسپردگی وی به امپریالیسم امریکا شکی ندارد- یکباره به شکل های مختلف برای جنگ با داعش تشجیع و ترغیب می شوند تا جائی که اسرائیل پیشاپیش اعلام می کند که دولت هنوز به وجود نیامده کردستان مستقل را به رسمیت می شناسد؛ و امروز سیل سلاح های مرگبار از امریکا و انگلیس و فرانسه به اقلیم کردستان سرازیر می شود! یا چرا حتی دسته ای از حزب

دموکرات کردستان ایران که طی سال های طولانی یک گلوله هم به سوی رژیم جمهوری اسلامی شلیک نکرده بودند یکباره گروه های مسلح برای جنگ با داعش تدارک می بینند، همان دسته از حزب دموکرات که مدت هاست به هر کوششی برای جلب نظر امپریالیسم امریکا دست می یازد. همچنین قابل توجه است که چه رژیم ترکیه و چه جمهوری اسلامی که تا دیروز به دلیل وجود خلق کرد و کردستان هائی در خاک ایران و ترکیه شدیداً نسبت به کردستان مستقل حساس بوده و علیه آن اقدام می نمودند امروز که اربابشان یعنی امریکا منافع خود را در تقویت بارزانی برای دامن زدن به جنگ و ایجاد آشوب و ناامنی در منطقه جست و جو می کند، علی رغم این که کردستان مستقل در چشم انداز کُردهای آن محل قرار داده شده، ظاهراً از در دوستی با مردم کرد این منطقه در آمده اند.

همه این واقعیات دال بر آن است که امپریالیست های غرب امروز با وضوح تمام از طریق مزدوران و وابستگانشان در منطقه آتش بیار جنگ در عراق و کل خاورمیانه شده اند. هر چه داعش به عنوان یک لولوی وحشت زا بیشتر به حرکات جنایتکارانه نفرت بار دست بزند و باعث شود که توده های بیشتری تحت رهبری های ارتجاعی ملی و مذهبی (شیعه و سنی) به مقابله با آن برخیزند و آتش جنگ و نا امنی بیشتر این منطقه را در بر بگیرد، امپریالیست ها بیشتر از آن سود خواهند برد. یکی از آشکارترین سود آوری ایجاد جنگ و نا امنی در منطقه برای امپریالیسم امریکا و شرکای اروپائی اش رونق دادن به صنایع نظامی خویش و به عبارتی دیگر تقویت اقتصاد مبتنی بر میلیتاریسم می باشد که در شرایط از کار افتادن صنایع دیگر در اثر گرفتاری سیستم سرمایه داری در بحرانی لاعلاج، در خدمت تقویت اقتصاد بیمار آنها قرار دارد. حتی جنگ افروزی های اخیر صهیونیست های اسرائیل به منظور نسل کشی فلسطینی ها و خاموش کردن شعله های مقاومت مردم فلسطین (که همواره مظهر و الهام بخش مبارزه و مقاومت در میان خلق های منطقه بوده اند) در خدمت این امر نیز قرار داشت. چرا که مثلاً باران بمب هائی که این دولت صهیونیستی بر سر مردم فلسطین ریخت جا را برای تولید بمب های دیگر و رونق بازار تجهیزات نظامی آماده تر ساخت. در این بین امپریالیسم امریکا حتی آزمایش برخی از آخرین سلاح های جدید کارخانجات نظامی خود برای آتش افروزی های هر چه بیشتر در سطح جهان را هم در طی جنگ خانمانسوز اخیر دولت صهیونیستی اسرائیل علیه خلق فلسطین، به این سگ زنجیری خود سپرد.

بنابراین، با نگاهی ماتریالیستی به واقعیت صحنه ای که امروز در خاورمیانه جریان دارد می توان دید که توجیه ایدئولوژیک و نظری جنگ های ارتجاعی کنونی در این منطقه هر چه باشد (از جمله اگر پیش از این جرج بوش، رئیس جمهور امریکا در جهت پیشبرد سیاست جنگی امریکا در خاورمیانه و در کل جهان "نوید" برپائی جنگ های مذهبی و صلیبی را داده بود حال داعش با لهجه خاورمیانه ای اش جنگ افروزی خود را با ادعای رواج اسلام و مسلمان کردن مردم منطقه و جهان و برپائی خلافت اسلامی در منطقه توجیه می کند)، همه آن ها در خدمت پیشبرد اهداف امپریالیستی به منظور در بند نگاه داشتن هر چه بیشتر کارگران و توده های تحت ستم منطقه قرار دارند. سیستم ظالمانه سرمایه داری جهانی اگر دیروز در پی رشد تضاد فیما بین امپریالیستها بر سر تقسیم مجدد جهان بین خود کار را به دو جنگ جهانی اول و دوم رساند، امروز در چنان شرایط بحرانی به سر می برد و عرصه برای جولان سرمایه در این سیستم چنان تنگ گشته که امپریالیسم امریکا خود را ناچار دیده است که برای به دست آوردن سهم شیر در کشورهای تحت سلطه به ضرر امپریالیستهای دیگر به جنگ متوسل شده و برتری و هژمونی خود را از این طریق یعنی از طریق کنترل نظامی مناطق مختلف در جهان حفظ نماید. از این نظر می توان دید که در شرایطی که امریکا در سوریه موفق نشده است تا رقیب خود امپریالیسم روسیه را از میدان به در کند تقویت داعش در عراق و انداختن آن به جان نیروهای طرفدار دولت بشار اسد از جنبه ای دیگر به واقع به معنی تقویت جبهه جنگ امریکا در سوریه در مقابل امپریالیسم روس می باشد. یک مورد آشکار از تقویت نظامی و مالی داعش به طور غیر مستقیم توسط امپریالیسم

امریکا را می توان در چگونگی تصرف ناگهانی موصل توسط نیروی محدود داعش مشاهده کرد. بر هیچ انسان آگاهی پوشیده نیست که نیروهای نظامی ارتش عراق در موصل به دستور فرماندهان خود در مقابل نیروی داعش با تجهیزات نظامی به مراتب ساده تر از آنها تسلیم شدند، فرماندهانی که خود تحت فرمان رؤسای امریکائی خویش قرار داشته و بدون خواست و اجازه آنها به کمترین حرکتی دست نمی زدند. به همین دلیل اگر خواست و اجازه و به واقع فرمان رؤسای امریکائی نبود نیروهای ارتش در موصل تمام تجهیزات نظامی خود را تقدیم داعشی ها نمی کردند و در نتیجه داعشی ها نمی توانستند در عین حال موجودی کلان بانک موصل را هم تصاحب نمایند.

وجود داعش در عراق و نمایش فجایع جنایت بارش در رسانه ها که در ضمن با تبلیغاتی همراه است که به جای عامل اصلی یعنی امپریالیسم توجیه ایدئولوژیک آن فجایع با اسلام مورد نظر داعش را دلیل فجایع و شرارت های این تروریستها جلوه می دهد، طبیعتاً باعث بسیج افکار عمومی به طور کاملاً شدید علیه داعش می گردد. چنین شرایطی به امپریالیسم امریکا (که در آغاز اعلام می نمود که قصد مقابله با داعش را ندارد و با این موضع گیری و برخورد در واقع برای جولان نیروی داعش در عراق در جهت قدرت گیری خویش، چراغ سبز به آنها نشان می داد) امکان می دهد که هر زمان لازم تشخیص داد به عنوان نیروئی ظاهراً در مقابل داعش، خود مستقیماً به گونه ای وارد جنگ شده و طی جنگ با مخلوقش، خود خویشتن را فرشته نجات جلوه گر سازد. مسلم است که اگر سیاست امریکا مداخله جنگی مستقیم در سوریه را نیز ایجاب کند توجیه ظاهراً عامه پسند مقابله با داعش این امکان را برای وی فراهم می سازد تا با چنین بهانه و عنوانی به امید شکست رقیب (امپریالیسم روس) مستقیماً در سوریه نیز دست به زور آزمائی بزند.

اما اگر از مجموعه واقعیت های فوق به عنوان تلاش امپریالیسم امریکا و شرکاء جهت یافتن راه حلی برای نجات از مخصه بحران های نا علاج سیستم سرمایه داری جهانی یاد شود تا بتوانند شرایط بهره کشی از کارگران و غارت منابع و ثروت های مردم در کشورهای تحت سلطه خود را با دستی هرچه بازتر به نفع خود تداوم بخشند، هنوز از هدف بسیار مهم دیگر آنان در ایجاد جنگ و آشوب و نا امنی در خاورمیانه سخنی به میان نیامده است. این هدف جز تلاش آنها برای جلوگیری از رشد و گسترش انقلابات توده ئی و منحرف کردن آن ها از مسیر واقعی خود در این منطقه نمی باشد.

امروز باید روی این امر تأکید کرد که دشمنان کارگران و توده های محروم منطقه از طریق برپائی جنگ های ضد انقلابی همچنین خواهان به هرز بردن انرژی انقلابی کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های تحت ستم خاورمیانه در مسیر جنگ های خونین مذهبی و ملی تحت رهبری های بورژوائی می باشند. سرمایه داران بین المللی یاد شده که خود خوب می دانند که چه شرایط زندگی دهشتناکی را برای کارگران در سطح جهان به وجود آورده اند، امروز در خاورمیانه که منطقه کلیدی و بسیار حساس برای آنان تلقی می شود در هراس از انفجار جنبش های کارگری و رشد مبارزات ضد امپریالیستی در این منطقه (مبارزاتی که بیش از هر وقت دیگر دارای بار ضد سرمایه داری است) به تکاپو افتاده و به هر اقدام ضد انقلابی دست می زنند. بنابراین یکی از اهداف مهم دمیدن بر آتش جنگ و نا امنی در عراق از طرف امپریالیسم امریکا آن است که از طریق دامن زدن به جنگ هائی با ماهیت ارتجاعی و انداختن توده های این منطقه به جان یک دیگر علاوه بر تقویت اقتصاد مبتنی بر میلیتاریسم خود و پیشبرد دیگر اهداف ضد خلقی اش، سدی در مقابل وقوع انقلابات توده ئی، انقلاباتی که کارگران به حکم تاریخ در آن نقش برجسته ای خواهند داشت (به دلیل سیر روندهای تاریخی که منجر به رشد سیستم سرمایه داری در اقصا نقاط جهان و دو قطبی شدن جامعه گشته)، به وجود آورند.

هنوز از خیزش و جنبش انقلابی توده های زحمتکش و ستمدیده ایران در سال ۱۳۸۸ و خیزش های انقلابی و توده ئی وسیع در اکثر کشورهای عرب منطقه که دو انقلاب بزرگ کارگران، مردمان تهی دست و دیگر توده های تحت ستم

مصر از برجسته ترین آن ها بود، چند سالی نگذشته است. درست است که همه آن ها به دست دیکتاتورها و نیروهای ضد انقلابی سرکوب شدند، اما جای تردید نیست که در شرایطی که زمینه های مادی آن جنبش ها و انقلابات همچنان به قوت خود باقی است، آن ها بار دیگر و این بار به دلیل رشد هر چه بیشتر تضادها و با تجارب انقلابی که اندوخته اند با هیبتی بسیار خوف انگیز تر برای امپریالیست ها و همه صاحبان سرمایه سر بر خواهند آورد. این واقعیتی است که امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته به آن ها که با همه قواء و از هر طریق ممکن در جهت حفظ وضع موجود می کوشند به آن به مثابه امری اجتناب ناپذیر به طور جدی برخورد می کنند؛ و با وقوف به این که دیر یا زود با طوفان انقلابات توده ئی مواجه خواهند شد می کوشند برای تداوم وضع ظالمانه کنونی راهی برای مقابله با آن ها بیابند.

نگاهی به شرایط هولناک زیست و استثمار وحشیانه کارگران چه در ایران و چه در کشورهای منطقه و خشم و نفرت بی کرانی که از سرمایه داران و حکومت های حامی آن ها در دل کارگران آکنده گشته معلوم می کند که کارگران در شرایطی به سر می برند که پتانسیل خیزشی مبارزاتشان گاه تنها به جرقه کوچکی نیاز دارد تا منفجر گردد؛ و تنها یک کبریت به باروت خشم کارگران کافی است تا جهان سرمایه داری را با آتشی گداخته و سرکش که هر دم گرمی گیرد مواجه سازند. وقتی رسماً اعلام می شود که کارگران عسلیویه در چنان شرایط آلوده محیط زیستی به کار مشغولند که حتی خون شان نیز قابل اهداء نیست و آلودگی هوا اثرات خطرناک خود را بر قلب و دستگاه های عروقی و تنفسی و بر اندام های خارجی چون چشم و پوست آنان به جا می گذارد، وقتی آن ها که اغلب حتی دارای مدرک لیسانس یا بالاتر از آن می باشند حقوق ناچیزی دریافت می کنند و سرمایه داران بی شرم قرارداد هائی به آن ها تحمیل می کنند که به حق از طرف کارگران به "قرارداد های ننگین" شهرت یافته اند، وقتی آن ها در چنان وضعیت کثیف و غیر بهداشتی روزگار می گذرانند و در چنان شرایط نا امنی کار می کنند که مرگ به آسانی در کمین آن هاست و تابلوی "پدر، سالم به خانه برگرد..." بر سر خوابگاه شان آویزان است، وقتی شرایط استثمار کارگران مهاجر در قطر تا به آن حد وحشیانه است که حتی سازمان عفو بین الملل عنوان می کند که با آن ها "در حکم حیوانات" برخورد می شود (در همان قطر که دولتش یکی از منابع مهم تأمین کننده هزینه های مالی داعش و گروه های تروریستی دیگر می باشد) و... و... آیا قابل تصور نیست که این وضع دهشتناک - علی رغم همه شرایط دیکتاتوری و اختناق وحشتناکی که بر محیط های کارگری حاکم است - نمی تواند همچنان ادامه یابد و دیر یا زود با رشد تضادها و تناقضات محیط به ضرر استثمارگران و حکومت های حامی شان تغییر خواهد کرد؟! بیهوده نیست که نمایندگان گوناگون جهان سرمایه داری مدام به سرمایه داران هشدار می دهند که کارگران را دریابید و الا شرایطی به وجود می آید که دیگر به راحتی نمی توان اوضاع را کنترل نمود! و یا شاهدیم که رؤسای کمپانی های سرمایه داران و کارگزاران امپریالیست ها، کنفرانس هائی با عناوین گول زننده از قبیل بررسی راه های بهبود وضعیت اقتصادی کارگران بر پا می کنند تا بتوانند به گونه ای در مسیر جنبش های انقلابی توده ها که کارگران ترکیب اصلی آن ها را تشکیل می دهند، سنگ اندازی کنند.

از زمانی که امپریالیست های امریکا، انگلیس، فرانسه و المان در توافق گوادولوپ موفق به روی کار آوردن رژیم جمهوری اسلامی در ایران شدند، به تدریج با شکل دادن به بنیاد گرائی اسلامی توانستند کمونیسیم و جنبش های واقعاً ضد امپریالیستی در منطقه را به حاشیه برانند. همه واقعیات تا کنونی نیز ثابت می کنند که بنیاد گرائی اسلامی جز وسیله ای در دست امپریالیسم امریکا و شرکایش برای حفظ شرایط ظالمانه سیستم سرمایه داری حاکم و تحمیل شرایط هرچه وخیم تر برای کار و معیشت کارگران نمی باشد. داعش و دیگر جریانات تروریستی در منطقه نیز تحت نام اسلام گرائی و پیاده کردن قوانین قرآن و زنده کردن خلافت های اسلامی اعصار پیش و غیره تنها مشغول خدمت گزاری به منافع این امپریالیست ها می باشند. به این امر مردم ایران که واقعیت جمهوری اسلامی و ادعاهای مشابهش با داعش را تجربه کرده اند به خوبی واقفند.

در این میان، کسانی که ظاهراً به خاطر نفرت از اسلام چشم خود را به نتایج مادی حاصل از عملکردهای داعش و دیگر نیروهای متعلق به بنیادگرائی اسلامی در خدمت به پیشبرد اهداف سرمایه داران بین المللی می بندند و وجود آن ها را صرفاً با ایدئولوژی ارتجاعی شان (درست به همان گونه که خود آن نیروها تبلیغ می کنند) توضیح می دهند، خاک به چشم کارگران و توده های زحمتکش منطقه می پاشند. خطر این قبیل توضیحات کمک به مبلغین امپریالیستی است که می کوشند چهره دشمن اصلی کارگران و توده های تحت ستم منطقه را از دید ها پنهان ساخته و با لولوی داعش و اسلام ادعائی اش کارگران و زحمتکشان منطقه را به زیر رهبری های بورژوائی در منطقه بکشانند و از این طریق جنگ و ناامنی را به سود خود و به ضرر رشد و گسترش مبارزات انقلابی کارگران و دیگر توده های ستمدیده در منطقه خاورمیانه دامن بزنند. در حالی که کارگران مبارز ایران و منطقه باید بکوشند چهره دشمنان واقعی خود که همانا امپریالیست ها و در رأس آن ها امپریالیسم امریکا است که همچون جادوگری پست و شرور خود را در چهره های گوناگون عرضه می کند - روزی ماسک دفاع از حقوق بشر به چهره می زند و روزی دیگر خود را در پشت نیروهای تروریستی اسلامی همچون داعش پنهان می کند - را شناخته و به دیگران بشناسانند. با شناخت دشمنان واقعی که جز دشمنان طبقاتی کارگران و مردم محروم نیستند باید کوشید با تشدید مبارزه علیه آنها شرایط را برای این دشمنان هر چه وخیمتر نموده و راه را برای انقلابات اصیل آینده هموار کرد.

واقعیت این است که در دل همه شرایط خوف انگیز و وضعیت تلخ و دردناک و سیاهی هایی که امپریالیست ها برای مردم ما به وجود آورده اند، فرصت های نوینی برای رشد و گسترش مبارزات انقلابی کارگران و دیگر توده های ستمدیده و بالندگی کمونیسم نطفه می بندد. امپریالیسم امریکا با طرح ریزی و اجرای نقشه ظاهراً پیچیده ای در عراق دست به ریسک بزرگی زده است. آن ها توده وسیعی را به میدان جنگ می کشانند ولی به شرط آن که این توده ها بتوانند خود را از زیر رهبری های بورژوائی بیرون کشیده و مستقل عمل کنند که این خود فرصتی برای بیرون آمدن کمونیست ها از حاشیه به متن و قدرت گیری آن ها فراهم می سازد، خواهند توانست طرح ها و نقشه های امپریالیستی را با شکست مواجه سازند.

تحولات جاری در عین حال توده ها را در سراسر جهان به عکس العمل های مبارزاتی کشانده و به مبارزات به حق و انقلابی آنها علیه دشمنانشان شدت هرچه بیشتری خواهد داد. اینها در این روند تاریخی که به سوی نابودی سیستم سرمایه داری به پیش می رود عوامل شکل گیری و قوام شرایط مبارزاتی جدیدی هستند، شرایط نوینی که طی آن امپریالیست ها اگر در کوتاه مدت هم بتوانند از طریق ایجاد جنگ و نا امنی اهداف ضد انقلابی خود را پیش ببرند، در دراز مدت در این امر ناکام مانده و چشم انداز انقلابات اصیل و ضد امپریالیستی با رهبری های کمونیستی در مقابل آن قرار خواهد گرفت و روزی می رسد که با صدای رسا بانگ برآورده شود که دشمن با پای خود آمد به گور! زمان برای ایفای نقش انقلابی برای کارگران در جهت لغو کار مزدی و پایان دادن به سیستم سرمایه داری فرا می رسد.